



معرفی‌های اجمالی

کتاب اربعه و آثار حدیثی بسیاری دیگر که در نزد وی معتمد بوده است، ترتیب داده است.

در میان کتب اربعه «کافی» مشتمل است بر احادیث اصول و فروع؛ اما می‌دانیم که وسائل الشیعه تنها احادیث فقهی و فروع را دربر دارد. شیخ حرّ با پرداختن اثر ارجمندی دیگر با عنوان «الفصول المهمّة فی اصول الأئمة» بواقع در تسمیم و تکمیل «وسائل الشیعه» کوشیده است. «الفصول المهمّة» در پنج بخش سامان یافته است:

۱) اصول دین؛ در این بخش مؤلف روایات مرتبط با اصول عقاید: مبدء، نبوت، امامت و معاد و مسائل مرتبط با این مقوله را گرد آورده است. شیوه گزارش احادیث در این بخش همان شیوه وسایل است. نخست عنوان باب می‌آید و آنگاه روایاتی که بدان عنوان دلالت می‌کند و آنگاه اگر روایت مصدر دیگری داشته باشد، ذکر می‌شود و اختلاف‌ها در سند و یا متن را یادآوری می‌کند، به همان گونه که در وسایل انجام داده است.

۲) گزارش روایاتی که با اصول فقه مرتبط است، با عنوان «أبواب الکلیات المتعلقة بأصول الفقه وما یناسبها» مانند حجیت اخبار فقه، و خوب عمل به احادیث متواتر، چگونگی ناسخ و منسوخ، ظواهر کتاب و گزارش روایات در این بخش نیز چونان وسایل الشیعه است، روایات با سند یاد می‌شود و اگر در منابع دیگری دیده شده باشد، آن نیز می‌آید و

بخش سوم بواقع گزیده وسایل الشیعه است که ذیل عناوین باب‌ها، روایتی با حذف سند آمده است. شیخ (ره) در آغاز این بخش گفته که: در این بخش اسناد روایات را افکنده‌ام و هر حکم - و گاه دو حکم - را در ذیل ابواب آورده‌ام تا فهم احادیث

الفصول المهمّة فی اصول الأئمة، محمد بن الحسن الحرّ العاملی،

تحقیق و اشراف محمد بن محمد
الحسین القائینی، قم، الناشر
لمؤسسة معارف اسلامی امام
رضاع(ع)، ۱۴۱۸ هـ. ق، سه
جلد وزیری.

محدث جلیل، فقیه خبیر،
محمد بن حسن بن علی
معروف به «شیخ حرّ» از
عالمان سختکوش و
چهره‌های والای قرن یازدهم



هجری است. کارنامه پژوهش و نگارش این دانشی مرد خستگی‌ناپذیر بسی پربرگ است و پر بار. آن بزرگوار بیشتر با موسوعه عظیم و ارجمند حدیثی اش «تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه» شهره است. اما زندگانی پر بار وی، آثار و مآثر ارجمند دیگری نیز دارد همه سودمند و کارآمد. «وسایل الشیعه» مجموعه احادیث فقهی است که بر اساس ابواب فقهی (کتاب‌های فقهی ما) سامان یافته است. در آغاز سی و یک باب است با عنوان «ابواب مقدمات العبادات» و آنگاه کتاب الطهاره است و عناوین دیگر کتاب‌های فقهی تادیات. شیخ حرّ - رضوان الله علیه - با شیوه ویژه ای کتاب را بر اساس احادیث

نیز مشخص کرده است تا برای همه کسانی که به این اثر مراجعه می‌کنند و چاپ‌های مختلف کتاب را در اختیار دارند، سودمند افتد.

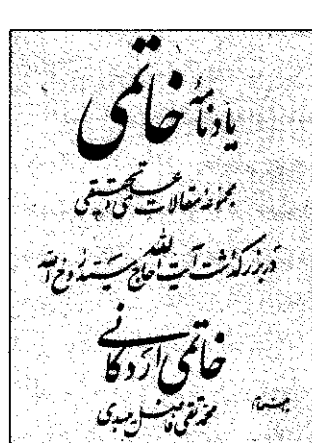
تمام حواشی موجود در نسخه آستان قدس رضوی را - که پیشتر بدان اشاره کردیم - در پانوشته‌ها آورده است که شایان توجه است. در پانوشته‌ها افزون بر ارجاع احادیث به مصادر و اختلاف متن و سند در احادیث نسخه موجود و مصادر و منابع به تفصیل رسیدگی شده و گاه توضیحات سودمندی درباره احادیث و شرح و تبیین واژه‌های دشواریاب آن براساس منابع مختلف آمده است. در بخش سوم که گفتیم گزیده و مسائل است، روایات به هر دو چاپ و ساینل الشیعه (۲۰ جلد و ۳۰ جلدی) ارجاع شده است.

برخی از اهل فضل، محقق محترم را یاری رسانده اند که از آنان در مقدمه کتاب یاد شده است و البته کاری است پسندیده و ارجگذاری برای رنج‌ها و زحمت‌های دیگران؛ فلمثل هذا فلیعمل العاملون.

محقق محترم در مقدمه سودمند و درازدامن از کتاب و اهمیت آن و پیوند آن با وسایل، شرح حال مؤلف و آثار آن بزرگوار، چگونگی تحقیق و مسایل مرتبط با آن سخن گفته است. به هر حال تحقیق «الفصول المهمه» تحقیقی است شایسته و سودمند و کارآمد. برای مؤلف جلیل القدر کتاب رضوان الهی و برای محقق محترم توفیق مسألت داریم.

محمدعلی مهدوی راد

یادنامه خاتمی (مجموعه مقالات علمی و تحقیقی در بزرگداشت



آیت الله حاج سید روح الله خاتمی اردکانی) به کوشش: محمدتقی فاضل میبدی، مؤسسه معارف اسلامی امام رضا(ع)، ۱۳۷۶، ۸۶۴+ تصویر، وزیری. روزگاری است که سنت نیکوی فراهم سازی جشن نامه، یادواره و نامسواره در جهت بزرگداشت فرهیختگان و

ارج گذاری به کوشش‌ها و کوشش‌های عالمان و فرهیختگان - البته به اقتضای دیگران (آری دیگرانی که گویا به ارج و والایی دانش، به دور از پیرایه‌ها بیشتر از ما آگاهند و بدان پای بند - معمول گشته است.

آسان تر گردد، آنان که آهنگ دیدن همه نصوص و اسناد را دارند به وسایل مراجعه کنند.

۴) گزارش روایات طب، معالجات و مسائل مرتبط با آنهاست. که در این بخش نیز گزارش احادیث براساس شیوه و ساینل است و از این جهت شایان توجه. چون این گونه روایات در مجموعه‌هایی که برای این هدف گرد آمده اند، غالباً روایاتی است مرسل؛ اما احادیث جمع شده در این بخش از یکسو مسند هستند و از دیگر سو از کتاب‌هایی است که نزد وی معتمد بودند.

۵) عنوان «نوادر» مشتمل است بر روایاتی که ذیل عناوین گذشته نمی‌گنجیده اند.

«الفصول المهمه» به سال ۱۳۰۴ با چاپ سنگی نشر یافته است، که آکنده بود از اغلاط و افتادگی‌ها و ... نسخه حروفی نشر یافته آن در نجف اشرف نیز گویا براساس همین چاپ سنگی بوده است، بدون هیچ گونه تصحیح و تحقیق. اکنون - سپاس خدای را - که با تحقیقی شایسته و تعلیقاتی سودمند به همت والای فاضل ارجمند حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای محمد قاینی با مقابله پنج نسخه خطی با چاپ‌های سنگی و سربری آن نشر یافته است. مهم ترین نسخه مورد مراجعه در این تحقیق نسخه کتابخانه آستان قدس رضوی است که بین سال‌های ۱۱۰۰ تا ۱۱۰۲ نگاشته شده و بر مؤلف ارجمند قرائت شده است. محقق محترم از اهمیت این نسخه در مقدمه سخن گفته و نشان داده که گاه از دیگر نسخه‌های چاپ شده و نسخه‌های فعلی دیگر، حدیث و گاه یک باب و یا سطور از احادیث افتاده است. افزون بر این، نسخه بر علامه مجلسی - ره - نیز قرائت شده است، که پایان کتاب «بلاغ» آن بزرگوار را دارد. این نسخه تعلیقه‌ها و حاشیه‌هایی از مؤلف و دیگر محققان و گاه ضبط کلمات و یا نام‌های راویان را دارد که نشانی است از فضل و فهم استنساخ‌کننده و دقت وی.

محقق محترم افزون بر این سنجش‌ها، کتاب را یکسری با منابع آن نیز مقابله کرده است. گفتیم شیوه مؤلف در این مجموعه همان شیوه و ساینل است، از این روی در ذیل باب‌هایی از گزارش، روایت‌های مربوط به «تقدم مایدل علیه» و «یائی مایدل علیه» دارد که همه این موارد به دقت شناسایی و نشان داده شده است. مؤلف بزرگوار براساس شیوه‌ای که برگرفته است، به منبع حدیث اشاره می‌کند. محقق محترم افزون بر اینکه آن منبع را نشان داده، منابع و مصادر دیگری نیز برای احادیث یافته است. مؤلف در ارجاعات خود، به جلد صفحه بسنده نکرده و عناوین ابواب و فصول نقل شده از آن را

مقاله بعدی مجموعه است که منطق الطیر را از این نگاه بررسی کرده است. نویسنده بر این باور است که مهم‌ترین ویژگی منطق الطیر در جنبه‌ی روش شناختی آن است؛ این مقاله بخشی است از پژوهش بلند نویسنده با عنوان «روش‌شناسی مکاتب شهودی».

در مقاله «هنر و حقیقت» عمده بحث از پیوند هنر و حقیقت است در علم زیباشناسی، و در مقاله «سهروردی و انکار صفات حقیقیه خداوند»، نویسنده به صفات خداوند از دیدگاه سهروردی پرداخته است. وی بر این باور است که سهروردی درباره‌ی مسأله‌ی صفات خداوند دچار اشکال شده و از این روی صفات حقیقیه حق تعالی را انکار کرده است. نویسنده چگونگی اشکال سهروردی و ابعاد آن را در این مقاله کاویده است.

مقاله «اندرزها و اندیشه‌های سیاسی کشفی دارابی» به انگیزه روشنگری اندیشه سیاسی معاصر، آثار یکی از فرزندانگان در فلسفه سیاسی و اندرزنامه سیاسی او را به تحلیل کشیده و ابعاد آن را نشان داده است. سید جعفر اسحاق کشفی دارابی از عالمان اواخر سلطنت فتحعلی شاه قاجار است و از جمله معدود کسانی که درباره مسائل سیاسی و اندیشه‌های مرتبط با مسائل حکومتی آثاری رقم زده است. تعریف عدالت، جایگاه حکومت و سلطنت در نظام خلقت، پیوند معیشت با سیاست مدن از جمله بحث‌های این مقاله است که از دیدگاه دارابی تحلیل شده است.

«روح سماحت در کالبد شریعت» مقاله است خواندنی که در آموزه‌های دین «سماحت» را پی جویی کرده و نشان داده است که شریعت بر سماحت و سهولت بنیان نهاده شده است.

«نقش آیت‌الله حائری یزدی و مجاهد بافقی در تأسیس حوزه علمیه قم» از یک سوی نگاهی است به زندگانی علمی، اجتماعی و سیاسی آن دو بزرگوار و از سوی دیگر بر نمودن نقش آنان است در تأسیس حوزه علمیه قم. مقاله بر پایه اسناد و مدارکی است که بعضاً برای اولین بار عرضه می‌شود؛ از این روی نگاشته‌ای است خواندنی با آگاهی‌هایی نو.

مقاله «مردم کوفه از زبان امیر مؤمنان» ترجمه بخش‌هایی است از نهج البلاغه در این زمینه، با نگاهی به تاریخ و منابع تاریخی برای روشن شدن فضای بحث و تحلیل.

نویسنده مقاله «عرف و عقل» کوشیده جایگاه این دو را در فهم نصوص دینی بازگوید. از این روی نگاهی دارد به بازتاب عرف پیش از اسلام در شریعت اسلام، اجتهاد، تعقل، جریانات فکری زمان حضور، تحوّل‌پذیری شریعت و ...

بر اساس این شیوه‌ی پسندیده، مجموعه‌ای فراهم آمده است از خاطره‌ها، بزرگداری‌ها، شعرها و مقاله‌ها، تقدیم به عالم نستوه، فقیه اندیشور و روانشاد آیت‌الله حاج سید روح‌الله خاتمی-رضوان‌الله‌علیه.

پس از پیشگفتار با عنوان «آیت‌الله خاتمی در گفتارها و نوشتارها و سروده‌ها» ابتدا زندگانی آیت‌الله خاتمی به روایت وی آمده است، آنگاه دیدگاه‌های عالمان و اندیشوران درباره‌ی شخصیت علمی، فکری و مبارزاتی آن بزرگوار. آیت‌الله خاتمی در آینه‌ی مطبوعات و سوگنامه خاتمی (شعر) فصول بعدی کتاب را تشکیل می‌دهد.

بخش اصلی کتاب «مقالات علمی و تحقیقی» است با بیست و یک مقاله در موضوعات مختلف. مقاله اول با عنوان «مبانی اجتهادی آیت‌الله العظمی بروجردی» نگاهی است دقیق و سرشار از نکات آموزنده، درباره‌ی استنباط و اجتهاد فقهی، چگونگی حدیث، شیوه‌ی تلقی احادیث از امامان، نقل به معنا در احادیث و ... و نگرش آیت‌الله العظمی بروجردی به این همه و چگونگی بهره‌وری وی از متون حدیثی در استنباط و اجتهاد.

«مبانی رفتار سیاسی عالمان شیعی امامی» نگاهی است به مبانی برخورد عالمان شیعه با حکومت‌ها و چگونگی نگاه آنان به مسایل سیاسی در سده‌های چهارم تا هفتم هجری.

تأویل متن یکی از مباحث مهم شناخت متون و چگونگی بهره‌گیری از آن است. مقاله «رویکردی تأویلی» نگاهی است گذرا به این موضوع و پیشینه آن با توضیحی کوتاه درباره‌ی واژه «هرمنوتیک». در مقاله بعدی با عنوان «تشیع در یزد» نویسنده پیشینه تاریخی تشیع در یزد را بر پایه سنگ قبرها کاویده و چگونگی آن را نشان داده است.

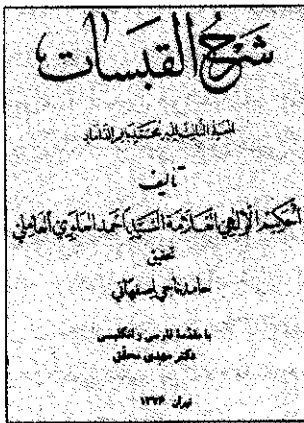
مقاله «غیاب» نوشته‌ای است هوشمندانه درباره عدم حضور روحانیت اسلام-چه سنی و چه شیعه- در صحنه‌های که باید حضور می‌داشتند؛ با درآمدی زیبا، دلپذیر و خواندنی که یادی است از خاتمی و خاطره‌ای از روزگاران سیاهی و تباهی و ذکری است از برخی بیداری‌ها و بیداردلی‌ها و نمونه‌های اندک آن در آن روزگاران از جمله خاتمی و ... در این مقاله نویسنده دردمند آگاه اهمیت موضوع را بازگفته و هم از حوزه‌های گونه‌گونی که عالمان باید در آن حضور یابند، بحث کرده است.

«انقلاب حفاظ در غزل» نگاهی است به تحوّل عظیم و اساسی و رهاسازی غزل از قید و بندهای سنت. نویسنده که از حافظ پژوهان چیره دست است، این مقاله را با اختصار و استواری پرداخته است. «ارزش روش شناختی منطق الطیر»

«یادنامه خاتمی» در میان مجموعه‌هایی همگون خود، مجموعه‌ای است فرازمند، خواندنی، سودمند و مقالات اگر چه یکدست نیست، اما یکسر نواست و برای این مجموعه به قلم آمده است و نویسندگان غالباً کوشیده‌اند در باب موضوع مورد بحث سخنی نو آورند و طرحی تازه افکنند. برای روح منور و مینویی آیت الله خاتمی، رضوان الهی و برای فراهم آورنده این مجموعه، توفیق آرزو مندم.

علی محمد علوی

شرح القبسات، السید احمد العلوی العاملي، تحقیق: حامد ناجی اصفهانی، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، ۱۳۷۶، ۷۴۷ص، وزیری.



حکیم میر محمد باقر داماد (میرداماد) در تاریخ اندیشه فلسفی ایران به لحاظ احاطه بر قرائت‌های اشراقی و مشایی در مسائل عقلانی، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. توجه به موقعیت

اجتماعی میرداماد و سیمای فرزادگی وی در عرصه‌های دینی، تأمل در نظریات و افکار او را بیش از پیش ضرورت می‌بخشد؛ امری که تاکنون از سوی محققان و فرهیختگان به آن توجه نشده است. میرداماد در دوران تثبیت حاکمیت صفویه و تداوم اندیشه‌های نو افلاطونی در عرصه حاشیه‌نویسی پای به عرصه حیات فرهنگی ایران گذاشت و با تألیف آثاری چون **جذوات**، **قبسات** و ... راه را برای بیان حکمت متعالیه صدرایی - که از خاکستر قرائت‌های پیشین فلسفی سر بر آورده بود - هموار ساخت. اگر کتاب «جذوات» را حاوی اندیشه‌های عرفانی میرداماد بدانیم، کتاب **قبسات** را باید چکیده افکار فلاسفه دوره اسلامی تا زمان مؤلف دانست که با دیدگاه خاص میرداماد، تلفیقی میان اشراق و استدلال در مباحث فلسفی - دینی عرضه می‌دارد.

جهان‌شناسی و مسائل مربوط به آن برای میرداماد در مقام یک فیلسوف عالی‌الویت برخوردار بوده است. وی در پاسخ این سؤال که: آیا عالم قدیم است یا آغازی در زمان دارد، بی‌آنکه زمان وجود داشته باشد؟ به دنبال راه‌حلی در مفهوم حدوث دهری است؛ مفهومی که برای حوادث تاریخ قدسی دارای اهمیت بوده و مفهوم «زمان مثالی» را به وجود می‌آورد. (کرین، ص ۴۷۸) میرداماد برای تبیین نظریه خود، با

مقاله «سه نظریه دولت در فقه شیعه» کوششی است در بازشناسی و تحلیل دیدگاه‌های فقیهان شیعه درباره دولت. مؤلف بر این باور است که تتبع در منابع دست‌اول فقهی نشانگر آن است که، فقیهان را در باب دولت نه نظریه است، او سه نظریه از این نظریات را در این مقاله گزارش و تحلیل کرده است.

مقاله «اسلام و حقوق بشر دوستانه»، مقاله‌ای است از جمند در فصولی چند، با این عناوین، کلیات، مفاهیم کلی قوانین انسان دوستانه بین‌المللی در اسلام، . تخصصات مسلحانه بین‌المللی، به کار گرفتن سلاح، طرز سلوک با دشمن در حین نبرد، طرز سلوک با اسرای جنگی و ... مقاله درآمدی دارد بسیار خواندنی که نگاهی است به شخصیت آیت الله خاتمی به عنوان انسانی و الا نگر با منشی انسانی. او بشردوستی و احترام آدمی و توجه به شخصیت انسان و ارجمندی به انسان را از جمله ویژگی‌های آن بزرگمرد دانسته است. مطلع نوشته شعری است از آذر بیگدلی، دلپذیر و تنبه‌آفرین. مقاله بعدی با عنوان تأمل آفرین «خود را بشناس» دعوتی است به تأمل در پاره‌ای از مبانی نظری خودشناسی، و چنان دیگر نگاه‌هاست های مؤلف نکته دار، کم حجم و پر معنا.

مقاله بلند «تفسیر مأثور» با درآمدی در شخصیت حضرت آیت الله خاتمی، پژوهشی است درازدامن درباره اهمیت تفسیر مأثور و حجیت آن. نویسنده جایگاه تفسیر مأثور را باز گفته و نقش آن را در تحولات تفسیرنگاری فرهنگ اسلامی برنموده است و در ضمن به مبانی و دلایل حجیت نقل‌های تفسیر در مکتب خلفا و اهل بیت (ع)، رسیدگی کرده است.

مقاله «شان نزول آیات و نقش آن در فهم احکام» نگاهی است به چند و چون تأثیر شان نزول در فهم آیات الهی، بویژه آیات مرتبط با احکام شرعی، این موضوع در مباحث علوم قرآنی بحثی است مهم و پژوهش نشده و از این جهت نگاهی است تازه، هر چند گذرا و مختصر.

فلسفه فقه چیست؟ چه پیوندی با علم اصول دارد؟ در بازشناسی کارآمدی فقه چه تأثیری دارد؟ چه پیوندی با دانشهای دیگر دارد و ... از جمله بحث‌هایی است که در مقاله خوب «درآمدی بر فلسفه فقه» آمده است.

این بخش با مقاله «برهان وجودی» پایان می‌پذیرد که بحثی است درباره چگونگی آن و تقریرهای مختلف درباره آن. پایان کتاب گزیده گفتارهای آیت الله خاتمی است با عناوینی مانند: حب ذات، تولی و تبسری، وحدت، ولایت، نماز جمعه، احترام به قانون و ...

او آشکار است ... مهارت و تبحر شارح در نقل اقوال پیشینیان همچون فارابی، ابن سینا و شیخ اشراق، محقق طوسی، محقق خفری، دشتکی و غیره چشمگیر و تتبع وی از کتب مختلف مشهود است. و از سویی علاوه بر نقل مطلب، قدرت تدرّب و تحلیل فلسفی وی در همه جا به چشم می‌خورد. در پاره‌ای از موارد، شارح به تحلیل عبارت متن، بر اساس نسخه بدل‌های گوناگون پرداخته و چنین می‌نماید که نسخه اصل مولف در اختیار او نبوده است. (ص ۷۵).

گذشته از دو مقدمه عربی و فارسی مصحح که در توضیح اندیشه‌های میرداماد و کتاب قبسات و همچنین شیوه تحقیق این شرح نوشته شده، آقای مهدی محقق نیز «سرآغازی» در توضیح مکتب اصفهان و نقش میرداماد در تاریخ فلسفه دوره اسلامی دارند که بعد از پیشگفتار دکتر سید محمد نقیب العطاس رئیس موسسه بین‌المللی اندیشه و تمدن اسلامی (ایستاک) مندرج شده است.

شرح قبسات علوی به همت دفتر نشر میراث مکتوب و با همکاری موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران به شکلی زیبا چاپ شده و در انتهای آن فهراس تفصیلی قبسات، آیات، روایت، اشعار، اعلام و کتب توأم با مصادر تحقیق آورده شده‌اند. چاپ انتقادی شرح قبسات علوی یکی از متون فلسفی چهارصد سال گذشته در ایران را در اختیار دوستان فلسفه و حکمت قرار داده و بخشی از سیر فلسفه در ایران زمین را روشنایی بخشیده است. با این حال هنوز نگرش انتقادی و بازاندیشی در سیر فلسفه در ایران صورت نگرفته و چاپ آثار انتقادی پیشینیان اولین قدم در طی این مسیر است. بنابراین نمی‌توان سخن از سیر تکاملی و دوره‌بندی فلسفه در تاریخ ایران و استمرار آن تا زمان حاضر به میان آورد (همانطور که مصحح این شرح به پیروی از هانری کربن ادوار تکاملی پنج‌گانه را ذکر کرده‌اند. ر. ک: مقدمه مصحح، ص ۲۱).

تحلیل سیر (انحطاطی یا تکاملی) فلسفه در ایران مبتنی بر چاپ و احیای تالیفات حکیمان و متکلمان و عرفای پیشین و مقایسه محتوای آنان بوده تا چگونگی سیر اندیشه‌های فلسفی را بتوان به مذاقه نهاد. با آرزوی توفیق برای مصحح محترم.

علی اصغر حقدار

استفاده از بیانی متین و سخت‌دیرباب، کتاب «قبسات» را به رشته تحریر کشید و با طرح نظریات متکلمان (حدوث زمانی) و فلاسفه (حدوث ذاتی) و ایرادات وارد بر آنها، به اثبات حدوث دهری ابتکاری خویش می‌پردازد. کتاب قبسات به لحاظ موقعیت خاصش در تاریخ فلسفه دوره اسلامی، مورد توجه مدرسان و محققان فلسفه و حکمت قرار گرفته و شروح و تعلیقاتی بر آن نوشته شده است که برخی از آنها عبارتند از:

- حاشیه مولف بر کتاب که تمامی آن تحت عنوان افیید در شرح علوی آمده است.

- حاشیه میر سید محمد اشرف از احفاد مولف به نام مقباس القبسات که تلخیصی از متن است.

- و حاشیه‌های صدرالمتالیهین، آقا حسین خوانساری، ملا شمسای گیلانی، ملا علی نوری، ملا اسماعیل (خواجویی)، میرزا ابوالحسن جلوه.

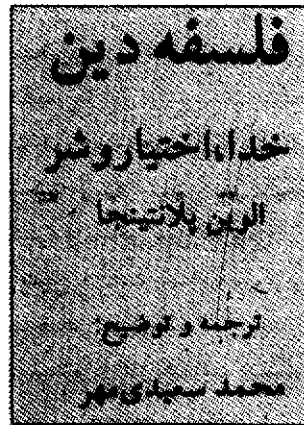
گذشته از این حواشی، دو شرح تحلیلی نیز بر قبسات نگاشته شده که یکی از آن محمد بن علی رضا بن آقاجانی از شاگردان ملاصدرا بوده و بخشی از آن را استاد سید جلال‌الدین آشتیانی در منتخباتی از آثار حکمای الهی ایران (جلد دوم، ص ۲۹۷) به چاپ رسانده و دیگری شرح حاضر از میر سید احمد علوی است که مصحح آن را بر مبنای سه نسخه خطی به چاپ رسانده است.

میر سید احمد علوی از شاگردان میرداماد و شیخ بهایی بوده و بنا به نقل صاحب‌الذریعه، پس از سال ۱۰۵۴ و قبل از ۱۰۶۰ در اصفهان در گذشته است. در میان آثار متعدد علوی که مصحح شرح القبسات آنها را در حدود ۴۸ عنوان شمارش کرده است، می‌توان به تالیفات فلسفی چون تعلیقات و شروح برهان شفا، هدایة اثیری، شرح تجرید اشاره کرد؛ شرح قبسات نیز به لحاظ جامعیت در توضیح مسائل فلسفی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

آقای ناجی اصفهانی در مقدمه خویش به چاپ جدید شرح القبسات، معتقد است که این شرح بنا به درخواست میرداماد نگاشته شده و در جای جای مواضع مشکل متن، راه‌گشاست. ایشان می‌نویسند: «در این شرح، مولف کوشیده است تا پرده از اسرار عبارات کتاب بردارد و لذا گاه به حل لغات کتاب و گاه به شرح عبارات پرداخته است ... شارح تمام حواشی مولف را مطالعه کرده و با توجه به حواشی و افادات وی در صدد شرح آن برآمده است ... ظهور آثار شهودی حکمت‌یمانی مکتب اصفهان و توجه به کشف و آثار اشرافیان در سراسر شرح وی و دیگر کتب

فلسفه دین؛ خدا، اختیار و شر، الوین پلانتینجا، ترجمه و توضیح:

محمد سعیدی مهر، مؤسسه فرهنگی طه، قم، ۱۳۷۶، رقی.



کتاب «فلسفه دین؛ خدا، اختیار و شر» از دو بخش کلی سامان یافته است. بخش نخست ترجمه کتاب پروفیسور الوین پلانتینجا یکی از فیلسوفان معاصر دین در آمریکاست و بخش دوم شامل

افزوده های مترجم است که در توضیح و نقد پاره ای از فصول کتاب پلانتینجا نگاشته شده است. در آغاز کتاب فلسفه دین، خواننده با پیشگفتاری از مترجم رو برو می گردد که در آن، پس از اشاره به سوابق علمی نویسنده کتاب (آقای پلانتینجا) و بیان شیوه نگارش او و نیز اشاره ای به پیشینه فلسفه تحلیلی در قرن حاضر، معرفت شناسی دینی وی مورد بررسی قرار گرفته است. مترجم در این بخش، پس از توضیح پاره ای نظریه های معرفت شناختی، مانند «مبناگروی» و «دلیل گروی»، به بیان مسلک پلانتینجا - که به معرفت شناسی اصلاح شده معروف است - می پردازد: پلانتینجا پس از نقد دیدگاه مبناگروی کلاسیک در تفکیک بین باورهای پایه و غیر پایه، معیار عام تری را ارائه داده است که توضیح آن و بررسی احکام آن بخش بعدی پیشگفتار را به خود اختصاص داده است. در پایان نیز، توضیحاتی در باب اعتقاد نویسنده مبنی بر پایه بودن باور به وجود خدا ارائه شده است.

کتاب، خود دارای دو بخش اصلی است: (۱) الحاد طبیعی (عقلانی) و ادله مربوط به آن و (۲) الهیات طبیعی (عقلانی) و ادله اثبات وجود خدا. در بخش نخست، برخی براهین الحادی که علیه وجود خدا اقامه شده است، مورد بررسی قرار گرفته که مهم ترین آنها، دلیلی است مبتنی بر «مسأله شر». بخش عمده کتاب، در نقد و بررسی همین دلیل است و سایر براهین الحادی، نظیر ادعای «تعارض علم مطلق خداوند با اختیار انسان»، به شکل محدودتری طرح شده است. نویسنده، در بررسی «مسأله شر» پس از توضیح دوراه حل ممکن برای این مسأله - که آن دو را «دفاع اختیارگرایانه» و «دادباوری اختیارگرایانه» می نامد - راه حل نخست را در پیش می گیرد و می کوشد تا با استفاده از قواعد منطقی و نیز براساس اندیشه «جهان های ممکن»، تقریر نوینی از آن به دست دهد، به گونه ای

که براحتی قدرت استادگی در مقابل اعتراضات فیلسوفانی همچون «جی. ال. مکی» را داشته باشد.

تفاوت اصل «دادباوری (تئودیسه)» با «دفاع»، آن است که در اولی، دلیل خداوند برای تجویز شرور معین می شود، اما در دومی صرفاً بیان می گردد که دلیل تجویز شرور ممکن است چه باشد. پلانتینجا در آغاز، پاره ای مبادی تصویری و تصدیقی «دفاع اختیارگرایانه» را، مانند مفهوم «اختیار در انجام یک عمل» و تفکیک بین «شر طبیعی» و «شر اخلاقی»، بیان می دارد و سپس تقریر اولیه ای برای دفاع اختیارگرایانه ارائه می کند. چکیده این تقریر آن است که این امکان وجود دارد که خداوند نتوانسته است جهانی حاوی خیر اخلاقی و خالی از شر اخلاقی بیافریند و از این رو، ممکن است خداوند دلیل موجهی برای آفرینش جهانی حاوی شر داشته باشد.

پلانتینجا در ادامه به اشکالات این تقریر اشاره می کند. مهم ترین اشکال از آن جی. ال. مکی است که می گوید: جهان حاوی خیر اخلاقی و فاقد شر اخلاقی، جهانی منطقاً ممکن است و از آنجا که خداوند قادر مطلق است، می باید بر آفریدن چنین جهانی توانا باشد. در پاسخ به اشکال مکی، پلانتینجا می کوشد که با ارائه روایت نوینی از «دفاع اختیارگرایانه»، ثابت کند که ممکن است آفریدن چنین جهانی از حوزه قدرت الهی خارج باشد. این روایت، بسیار دقیق و پیچیده است و برای تبیین آن، نویسنده ناچار می شود که به شرح مفاهیم پیچیده ای چون مفهوم «جهان ممکن» و «شرارت مطلق» و ارتباط آن با «ذوات» پردازد.

پس از مسأله شر، نوبت به بررسی دیگر ادله الحادی می رسد که یکی از مهم ترین آنها، دلیلی است که وجود خداوند عالم مطلق را با اختیار انسان ناسازگار می داند. نویسنده پس از تقریر این دلیل، بر نادرستی آن احتجاج می ورزد و ثابت می کند که بین دانایی مطلق خداوند و اختیار آدمی، هیچ ناهمخوانی و تعارضی وجود ندارد.

بخش دوم کتاب، به بررسی سه دلیل (برهان) کلاسیک خداشناسی؛ یعنی، برهان جهان شناختی، برهان غایت شناختی (نظم) و برهان وجودی می پردازد. در قسمت اول، نویسنده به نقل تقریر «توماس اکویناس» از برهان جهان شناختی اکتفا می کند و به نقد آن مبادرت می ورزد. برهان نظم نیز در نظر پلانتینجا چندان رضایت بخش نیست؛ بویژه آنکه در صورت توفیق، صرفاً شواهدی بر بخش اندکی از مجموعه باورهای خداشناسانه ارائه می کند. اما نویسنده با تفصیل بیشتری به برهان وجودی می پردازد و سرانجام می کوشد با عرضه تقریری نواز

این برهان، اعتراض‌های وارد شده را پاسخ گوید.

همان‌گونه که در آغاز اشاره شد، مترجم در ادامه ترجمه کتاب، یادداشت‌هایی را در سه بخش آورده است که هم صبغه نقدی-تحلیلی دارند و هم در روشن شدن برخی مسائلی و دیدگاه‌های نویسنده کارگشایند. بخش نخست یادداشت‌ها درباره «مسأله شر» است و مترجم پس از توضیح رهیافت‌های گوناگون در این باب، نگاهی گذرا به مهم‌ترین آرای مطرح شده، افکنده و در پایان به نقد فشرده دیدگاه‌های پلاتینیجا در مسأله شر پرداخته است.

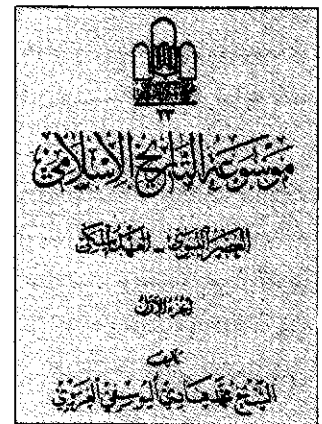
بخش دوم یادداشت‌ها در بررسی برهان جهان‌شناختی است و مترجم کوشیده است با نظر به پاره‌ای روایت‌های این برهان در فلسفه اسلامی (مانند برهان سینوی) به اجمال، اعتراضات فیلسوفان غربی بر این برهان را پاسخ گوید. در بخش سوم نیز بحث فشرده‌ای از برهان نظم ارائه شده است. مترجم، در این بخش، پس از مروری بر پیشینه تاریخی این برهان در فلسفه اسلامی و فلسفه غرب، دیدگاه‌های مختلف و نیز پاره‌ای اشکالات را در این باب بررسی کرده است.

حسن جمفری

موسوعة التاريخ الإسلامي (المصر النبوی-المعهد المکی) ج ۱، الشیخ

محمد هادی الیوسفی الغروی،
قم، مجمع الفکر الاسلامی،
۸۶۳ص، وزیری.

نگارش سیره رسول‌الله (ص) و شرح و گزارش نبردها و چگونگی رسالت پیامبر (ص) بی‌گمان از کهن‌ترین آثار مکتوب فرهنگ اسلامی است. عروة بن زبیر (م ۹۳) از فقیهان مدینه گویا اولین کسی



است که سیره پیامبر (ص) را رقم زده است (الطبقات الکبری، ج ۵، ص ۱۷۷؛ سیره اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۲۱)، ولی بیشترین نقل‌های وی بر روایات عایشه استوار است. محمد بن شهاب زهری (م ۱۲۴) نیز کتابی با عنوان «المغازی» پرداخته است که بخش‌هایی از آن در اثر عظیم، عبیدالرزاق صنعانی «المصنف» گزارش شده است. اثر، محمد بن اسحاق بن یسار (م ۱۵۰)، مهم‌ترین و نیکوترین اثری بوده است در سیره پیامبر (ص) که تمام آن در اختیار نیست و ابن‌هشام آن را گزین کرده و خود به حذف‌های بسیارش اشاره کرده است (ر. ک: آینه

پژوهش، شماره ۹/۱۱) در ادامه این نگارش‌ها تاریخ‌های عمومی مانند، تاریخ طبری و نگاه‌های کسانی چون یعقوبی، مسعودی و ... نیز به سیره پیامبر پرداخته‌اند. به هر حال حجم عظیمی از آثار مکتوب فرهنگ اسلامی را نگاه‌های کوتاه و بلند مورخان، محدثان و عالمان درباره پیامبر و سیره آن بزرگوار تشکیل می‌دهد. اکنون در این مجال از چگونگی شکل‌گیری این سیره‌ها سخن نمی‌گوییم و از سرچشمه‌هایی که سیره‌های واپسین بدان‌ها مستند است، کلامی به میان نمی‌آوریم که آن را مجال دیگری باید (در این باره از جمله نگاه کنید به بحث هوشمندانه آقای صائب عبدالحمید در کتاب ارجمند «تاریخ الإسلام السياسي والثقافي»، فصل دوم با عنوان «مراجع التاريخ الإسلامي» (قراغه نقدیه، ص ۲۵-۹۱).

سیره‌نگاری در قرن چهاردهم چونان پژوهش در دیگر ابعاد فرهنگ و تاریخ اسلامی در چندی و جونی آن دیگرسانی شگرفی راه یافت، و عالمان بسیاری با گرایش‌ها، رهیافت‌ها و رویکردهای مختلف در این باره آثاری سامان داده‌اند (ر. ک: آینه پژوهش، شماره ۴۷، مقاله رهیافت‌های معاصر در پژوهش سیره نبوی)؛ با این همه هنوز هم جای خالی سیره‌ای که مستند به روایات و گزارش‌های شیعی (در حد توان و امکان) باشد به شدت خالی است و آقای یوسفی کمر همت بر بسته‌اند تا این خلأ را پر کنند و سیره و افزون بر آن تاریخی اسلامی رقم زنند که اولاً: در حد امکان مستند به متون تاریخی آغازین شیعی باشد، و به گزارش نقل‌های مختلف نصوص کهن و پراکنده شیعی همت گمارد، تنظیمی از این گونه نقل‌ها و بیشتر تنظیم تا تحلیل، ثانیاً: چنان‌که اشاره شد- گزارش متون کهن باشد و نه عرضه نقل‌های سده‌های واپسین، ثالثاً: جز موارد ضروری و برای یافتن حلقه‌های مفقوده حوادث، متون غیر شیعی را گزارش نگردد. دیگر این که سیره نبوی را پا به پای نزول قرآن کریم به پیش برد، و تاریخ نزول قرآن کریم بویژه آیاتی را که مشتمل بر اشارات تاریخی است و از اسباب نزول برخوردار است، گزارش کند و بالاخره برای دست یافتن به واقع صادق در نقل‌ها تحقیقی صورت گیرد، نه بدان حد که به تحلیل‌های کلامی و اعتقادی بکشد و این همه با تعبیری امروزی و نثری رایج در جهان عرب عرضه شود. و اکنون ما مجلد اول از آن مجموعه را در اختیار داریم که از سیره رسول‌الله (ص) بخش مکی را در ده فصل گزارش کرده است. مقدمه‌ای تحلیلی نیز درباره تاریخ اسلام و چگونگی نگارش تاریخ اسلام، مهم‌ترین تاریخ‌های کهن اسلامی، ضعف و نارسایی‌های متون کهن تاریخ اسلام و چگونگی و لوازم پژوهش تاریخی استوار و

کارآمد در ابتدای این ده فصل، البته خواندنی است.

در فصل اول از فرهنگ و باورهای مردمان در روزگار جاهلی سخن رفته است، با توضیحی درباره معنای جاهلیت از دیدگاه قرآن و نهج البلاغه. در این بخش از اعراب و ریشه های تاریخی آنها نیز بحث شده است و نیز از ادیان موجود در آن روزگاران و حوادث مهمی که در سرنوشت قوم جاهلی مؤثر بوده است. این فصل از فصول درازدامن کتاب است (ص ۶۹-۲۳۳). فصل دوم ویژه گزارش روزگار کودکی پیامبر (ص) است تا بعثت. در این فصل از نیاکان رسول الله (ص) نیز سخن رفته است و چگونگی حضور پیامبر (ص) قبل از بعثت در مجتمع آن روز و نیز ازدواج پیامبر با خدیجه - سلام الله علیها - و چگونگی آن و میلاد فاطمه اطهر - س - گزارش شده است (ص ۲۴۱-۳۵۷). در همین فصل مؤلف به گونه ای دقیق و ارجمند جریان ساختگی «شق الصدر» را که بسیاری از مؤلفان و مفسران از نقد و تحلیل آن درمانده اند، نقد کرده و در پرتو بررسی اسناد و متن آن بر ساختگی جریان را نمایانده است (ص ۲۶۵-۲۷۴). در فصل سوم گزارش ها و نقل های مرتبط با بعثت رسول الله (ص)، چگونگی بعثت، آغازین آیات نازل بر پیامبر (ص)، گزارش های مرتبط با نماز، فطرت وحی، و حدیث انذار عرضه شده است (ص ۳۹۵-۴۲۶). فصل چهارم با عنوان «اعلان الدعوه»، آغاز دعوت علنی پیامبر (ص) را تا معراج گزارش کرده است.

همچنین در همین فصل سیر تاریخی نزول سوره های مکی آمده و ترتیب نزول سوره های مکی از اوکین سوره تا سوره پنجاه و چهارم گزارش شده است. روایات مرتبط با این سوره ها از منابع مختلف نقل و با هم سنجیده شده است و در ضمن بحث و گزارش از ترتیب نزول این سوره ها به مناسبت از اسلام حمزه عموی رسول الله - ص - (ص ۴۸۳)، و جوب نماز (ص ۴۸۸) و نیز ایمان ابوطالب (ص ۵۱۴) بحث شده است.

در فصل پنجم، گزارش های مرتبط با معراج عرضه شده است و از چگونگی نزول سوره های انعام، لقمان و زمر سخن رفته و روایت های مختلف درباره آنها سنجیده شده است و در پایان فصل، گزارشی است از ستم مشرکان بر مسلمانان (ص ۵۲۳-۵۵۹). در فصل ششم هجرت مسلمانان به حبشه و نیز چگونگی محاصره اقتصادی سول الله (ص) با یارانش در «شعب ابی طالب» و نزول سوره سجده، زخرف، دخان، احقاف، کهف، نحل گزارش شده است. روایات مرتبط با نزول این سوره در این فصل آمده و با محتوای سوره ها سنجیده شده و چگونگی ارتباط محتوای سوره ها و وضع آن روزگار و

رویاری مشرکان با مؤمنان برنموده شده است. در صفحات پایانی این فصل شکنجه مؤمنان از سوی مشرکان، گزارش شده است و شهادت یاسر و سمیه و نیز وفات دو یاور و پشتیبان رسول الله (ص) ابوطالب و خدیجه (س) و درد آکندگی جان رسول الله (ص) در هجران آن عزیزان.

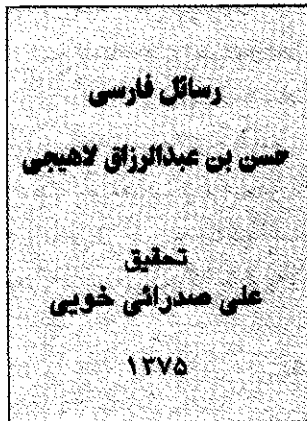
فصل هفتم ویژه گزارش هجرت رسول الله (ص) است به «طائف» و برخورد مردمان آن دیار با پیامبر و بازگشت ناامیدانه پیامبر از طائف، و دیدار حضرت در آیام عمره با گروهی از خزر جیان مدینه، و نزول سوره های انبیا، معارج، روم و عنکبوت (۶۴۳-۶۸۸).

فصل هشتم چگونگی گسترش اسلام و فراز گشتن ندای حق و رسیدن آن به یثرب را گزارش کرده است و چگونگی باورهای یثریان؛ آن گاه فصل نهم است و گزارش هجرت برخی از مسلمانان به مدینه و گشایش در کار یاران پیامبر (ص).

مشرکان با آگاهی از این گسترش و راه یافتن آموزه های رسول الله (ص) به فراسوی مرزهای مکه آهنگ توطئه جدیدی آغاز می کنند، و آن یکسره کردن کار پیامبر و قتل آن حضرت است. در فصل پایانی کتاب چگونگی این توطئه و رایزنی مشرکان برای این جنایت، خوابیدن علی (ع) بر بستر پیامبر (ص) و چگونگی هجرت پیامبر به مدینه و راهی که برای این هجرت برگزیده بودند، گزارش شده است و پس از آن کتاب با فهارس فنی پایان می یابد. تلاش آقای یوسفی برای تدوین سیره پیامبر (ص) ستودنی است و کتاب موسوعه التاریخ الاسلامی، بی گمان در میان آثار نو جایگاه شایسته ای را خواهد یافت.

محمد علی غلامی

رسائل فارسی، حسن بن عبدالرزاق لاهیجی، تحقیق علم، صدرائی خویی، دفتر نشر میراث مکتوب، ۱۳۷۵.



حسن بن عبدالرزاق لاهیجی (۱۰۴۵-۱۱۲۱ ه. ق) پسر ملا عبدالرزاق لاهیجی (متوفی ۱۰۷۲- داماد ملا صدرا) و در واقع نواده ملا صدرا (متوفی ۱۰۵۰) و از حکیمان، عالمان دینی قرن یازدهم و اوایل قرن دوازدهم محسوب است.

این مجموعه از رسائل شامل آینه حکمت (ص ۱۲۱-۶۰۷) و

اصول دین (ص ۱۲۳-۱۷۱) و تزکیة الصحبة یا تألیف المحبة (ص ۱۷۳-۲۵۶) و در مکنون (ص ۲۶۱-۲۷۰) و سر مخزون یا اثبات الرجعة (ص ۲۷۳-۲۹۹) و هدیه المسافر (ص ۳۰۳-۳۲۰) است که مذاق معتدلی در مذهب و عرفان و حکمت را نشان می‌دهد.

در اواخر عهد صفوی، حکمت اندیشان و عارف نشان مورد تعرض و حمله متصلبان در شریعت قرار گرفتند و از جمله حسن لاهیجی مورد تکفیر قرار گرفت. به طوری که مصحح کتاب، تحقیق کرده اند حسن لاهیجی تالیفات فلسفی اش همه پیش از سال ۱۰۷۰ هـ. ق است که پدرش زنده بوده و از او حمایت می‌کرده است و پس از آن کمتر وارد «معقولات» شده و بیشتر به علوم شرعی می‌پرداخته است.

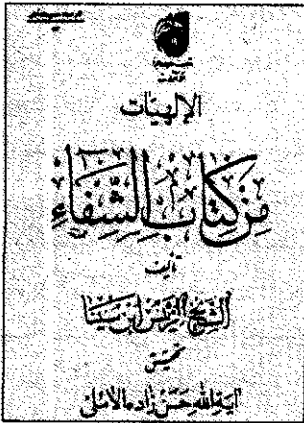
در رساله آینه حکمت، هدف مؤلف، اصلاح ذات البین میان متشرعه و اهل حکمت است و اظهار بی طرفی می‌نماید و نظرات هر کدام را به بهترین صورت عرضه می‌دارد که خواننده داوری کند (ص ۷۱-۷۲). او می‌نویسد: «هیچ کدام را در صحت ایمان دیگری سوای چند مسأله مختلف فیها طعن و شکی نیست، بلکه اعتقاد همه در آنها یکی است» (ص ۷۰). در آن زمان، گویا روایاتی نقل می‌کردند که ارسطو پیغمبر بوده است! حسن لاهیجی از اینها نیز برای تثبیت منظور خود استفاده کرده است (ص ۱۱۸) و به هر حال میان حکمای طبیعی و دهری با الهیون فرق می‌گذارد (ص ۱۰۷).

حسن لاهیجی که مانند جد و پدرش مردی پارسا بوده، بر دولت صفوی و وعاظ السلاطین می‌تازد و بالحن انتقادی در رساله فقهی اش می‌نویسد: «این همه اموال که صرف زینت‌ها و تجملات و تنعمات می‌شود، بلکه صرف فسق و معاصی می‌شود و به ضرب چوب و به انواع سیاسات، اکثر از فقرا و عجزه و بیوه زنان و یتیمان و امثال ایشان می‌گیرند، معلوم است که هیچ کدام حق نیست و دخلی در حفظ اسلام و مسلمین ندارد؛ بلکه اکثر اینها سبب خرابی بلاد و آبادانی‌ها می‌شود و ناچار به گدایی و جلای وطن می‌شوند.» (ص ۴۵)

بدین گونه حسن لاهیجی به عنوان عالم متعهد یک سند اجتماعی از خود به جا گذاشته که پریشانی مردم را در اواخر صفویه ثابت می‌کند که منجر به سقوط آن نظام گردید.

علیرضا ذکاوتی قراقرزلو

الألهیات من کتاب الشفاء، الشیخ الرئیس ابن سینا، تحقیق آیت الله حسن زاده الأملی، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۵۱۲ ص، وزیری.



جریان فکری که از قرن سوم به دنبال گسترش دارالاسلام در میان اندیشمندان و محققان مسلمان شکل گرفت و به نام فلسفه اسلامی مشهور گردید، بزرگ ترین نظریه پرداز خود را

در شخص ابن سینا پیدا کرد؛ وی با حدت ذهن و اطلاع وسیعی که از علوم دوران خویش داشت، سیستم جامعی از اندیشه های فلسفی را عرضه نموده و در طی نزدیک به هزار سال تا زمان حاضر، کمتر حکیم و فیلسوفی توانسته خود را از تحت سیطره فکری ابن سینا خارج کند و هر کدام از صاحب نظران فلسفه اسلامی نظیر شیخ اشراق و صدرالدین شیرازی در بنیان مکتب های فکری خود، متأثر از اندیشه های ابن سینا بوده اند.

ابن سینا در طی نزدیک به ۵۵ سال عمر خویش توانست اصول و امهات مباحث هستی و خداشناسی را در آثار و تالیفاتش جمع نموده و گنجینه ای از میراث فلسفی را به آیندگان ارمغان آورد؛ عدد تالیفات ابن سینا را بالغ بر ۲۵۰ رساله و کتاب شمارش کرده اند. (ر. ک: فهرست نسخه های مصنفات ابن سینا، یحیی مهدوی، تهران، ۱۳۳۳ ش) در میان نوشته های فلسفی ابن سینا، کتاب الشفاء به عنوان شاهکار و مفصل ترین دایرةالمعارف فلسفی به شمار می رود؛ وی در کتاب الشفا با شروع از علوم منطقی، به مباحث ریاضیات و جهان شناسی پرداخته و با تامل در علم النفس فلسفی به اصلی ترین بحث فلسفه اسلامی یعنی الهیات می پردازد. نظام الهیات ابن سینا مبتنی بر وجودشناسی بوده و به همراه علم النفس فلسفی بیشترین توجه را در میان حکیمان مسلمان به خود جلب نموده است؛ همین دو بخش فلسفه ابن سینا بود که به دست شیخ اشراق در نورشناسی و فرشته شناسی اشراقی بازتاب یافت. از سوی دیگر شاگردان و شارحان مکتب سینایی با شرح وجودشناسی و روان شناسی فلسفی، جریان پیروان مشایی وی را در ایران استمرار دادند؛ کسانی چون بهمنیار با تألیف التحصیل و ابوالعباس لوکری با تألیف بیان الحق بهمان الصدق و ابوالبرکات بغدادی با تألیف کتاب المعبر سنت نو افلاطونی را در ایران تا دوران صفویه زنده نگه داشتند؛ هم چنان که در غرب نیز

مباحث نبوت و سیاست و چگونگی تشکیل مدینه انسانی بوده که در حقیقت باز پرداختی از فلسفه سیاسی ابونصر فارابی و کتاب های سیاست مدُن و آراء اهل مدینه فاضله می باشند. به این ترتیب ابن سینا منظومه فلسفی را براساس تأمل در موضوع فلسفه و چگونگی اثبات هستی به معنی اعم شکل بخشیده و الهیات را ذیلی بر وجودشناسی قرار می دهد، سنتی که در میان اندیشمندان ایرانی تاکنون دایر بوده است و جریان حکمت دینی را تشکیل می دهد.

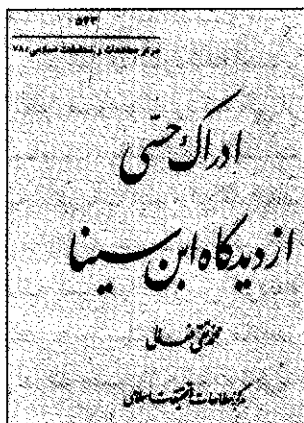
علم النفس شفا، فن ششم از کتاب طبیعیات را تشکیل می دهد و ابن سینا به پیروی از سنت مشایی فلاسفه یونان، علم النفس را بخشی از فلسفه طبیعی می دانسته است. پنج مقاله علم النفس شفا مشتمل بر اثبات نفس و تعریف آن و تعدیل قوای نفسانی بوده (ص ۱۳-۵۴) و تحقیق قوای نفس نباتی و اصناف ادراکات در مقاله دوم به بحث گذاشته شده است (ص ۷۳-۱۱۵). آنگاه شکوک وارده بر نظریه نور و کیفیت انتشار شعاع از آن در نزد مشائیان و بحثی در کیفیت ابصار در مقاله سوم مورد کاوش شده است (ص ۱۲۷-۲۰۸). شیخ الرئیس در مقاله چهارم به بحث از قوای باطنی حیوان، چون حس مشترک، خیال، واهمه و قوای مربوط به آنان پرداخته و مطالبی درباره ذکر و تذکر از نظر فلسفه ارسطویی آورده است (ص ۲۲۷-۲۷۴). در مقاله پایانی (پنجم) به بحث از نفس ناطقه و براهین اثبات تجرد آن پرداخته شده و سخن با کیفیت انتفاع نفس انسانی از حواس - مراتب افعال نفس - عقل فعال و مرتبه اعلی آن یعنی عقل قدسی (مقام نبوت) و ایراد به نظریه افلاطونی در امر نفس به انجام رسیده است (ص ۲۷۹-۳۵۷).

علی اصغر حقدار

ادراک حسی از دیدگاه ابن سینا (ره)، محمد تقی فتالی، واحد کلام و

فلسفه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی، قم، ۱۳۷۶، ۳۳۶ص، وزیری.

ادراک حسی، نقشی بس مهم در فلسفه ایفا می کند. احساس در سایر ادراکات خیالی، وهمی و عقلی مؤثر است، خصوصاً با توجه به نظریه تجرید که مشائیان به آن



فیلسوفانی چون آکویناس در بنیان نحله ای از فلسفه عقلانی مسیحیت بی تأثیر از اندیشه های ابن سینا نبوده اند و در دوران معاصر فیلسوف مشهور اتین ژیلسون خیر از خانواده معنوی سینایی-آکوینی در قرون وسطی می دهد. (ر. ک: روح فلسفه قرون وسطی، ترجمه ع. داوودی، تهران، ۱۳۶۶ش)

از زمان تالیف شفا تاکنون این کتاب مطمح نظر اندیشمندان قرار گرفت و شروح و حواشی بسیاری بر آن نگاشته شد که از آن میان می توان حواشی صدرالدین شیرازی و شرح سید احمد علوی را نام برد. بزرگانی چون میرداماد و احمد نراقی نیز با شرح و حاشیه نویسی بر کتاب الشفاء، باعث زنده ماندن سنت سینایی در ایران بعد از صفویه شدند؛ اما با این حال تا هزاره ابن سینا این مجموعه عظیم فلسفی به چاپ انتقادی نرسیده بود و نسخه های مورد استفاده مدرسان فلسفه، همان نسخ خطی بود، تا اینکه این کتاب به همت دانشمندان مصری به چاپ مصحح رسیده و انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی در سال ۱۴۰۶ اقدام به افست از روی چاپ مصر نمود. چاپ سنگی الهیات و طبیعیات نیز به همت انتشارات بیدار و با حواشی صدرالدین شیرازی و چندین نفر از صاحب نظران فلسفه اسلامی در قم به طبع رسید و کم کم توجه به آثار و تالیفات ابن سینا و چاپ جدید آنها در ایران، محققان را به خود جلب نمود.

اخیراً جناب آیت الله حسن زاده آملی که از مدرسان و صاحب نظران نام حکمت اسلامی به شمار می روند، اقدام به تصحیح و تعلیق الهیات و علم النفس کتاب الشفاء نموده و به همت انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی به زیور طبع آراسته است. شایان ذکر است که وجودشناسی و علم النفس در مکتب صدرایی به عنوان مقدمات خداشناسی و معادشناسی از جایگاه ممتازی برخوردار بوده و چاپ مصحح این دو جز از کتاب الشفاء نیز در این راستا پیش از دیگر اجزای آن انجام گرفته است.

ابن سینا در بخش الهیات که فن سیزدهم از کتاب الشفاء را تشکیل می دهد، در ده مقاله به بررسی احکام کلی وجود و تقسیمات اولیه آن چون جوهر و عرض - واحد و کثیر و علت و معلول پرداخته و با کاوش از تناهی علل و علل چهارگانه وارد مباحث خداشناسی استدلالی گردیده است؛ تأمل در ترتیب وجودات عقلانی و نفوس و کیفیت تکوین عناصر از علت العلل، بحث را به عنایت باری و دخول شر در قضای الهی کشیده و ابن سینا بر پایه این مباحث، متعرض بحث معاد شده و با واگذاری اثبات معاد جسمانی به عهده شرع، به توضیح معاد روحانی می پردازد. (ص ۴۶۰ به بعد) مقاله دهم نیز بیانگر

دیدگاه بوعلی فقط در استکمال نفس و جهان خارج مؤثر است. بنابراین ادراک حسی از یک سو در شناخت‌های انسان و از سوی دیگر در سرشت و نهاد او و از جهت سوم در بیرون از نفس و بدن نقش دارد.

از دیرباز حکما بر اهمیت حواس در شناخت حقیقت انگشت نهاده و آنها را مجاری علم دانسته و گفته‌اند: «من فقد حساً، فقد فقد علماً». این رویکرد و توجه به نقش حواس، آنان را به تأمل بیشتر و دریافت‌های ژرف‌تری واداشته است، لیکن از این میان اندک‌شماری کوشیده‌اند این مسأله را با تمام ابعادش بکاوند و بکوشند تا این مسأله را پرورش دهند و به دیگران بنمایانند.

بوعلی از جمله فرزانیانی بود که فراتر از زمان خویش می‌زیست و چارچوب فکری رایج را برهم زد و ایده‌ای نو در افکند. آنچه در آثار او ممتاز است، در کنار نتایج و دست‌آوردهای علمی او، شیوه بررسی و سلوک تجربی-عقلی فیلسوف ماست. البته در این اثر به بیان آرا و افکار ابن سینا بسنده نشده، بلکه به مناسبت، به دیدگاه دو فیلسوف صاحب مشرب دیگر، شیخ اشراق و صدرالمألهین اشاراتی شده است و از این رهگذر تحقیقی تا حدی تطبیقی عرضه گردیده است.

در پیشگفتار آمده است که شناخت حسی، دو بُعد معرفت‌شناسی و نفس‌شناسی دارد؛ از این روی تاریخچه این دو از یونان باستان تا عصر بوعلی بیان شده است. علل علاقه خاص شیخ به مسائل نفس و تأثیر این مباحث بر متکلمان و فیلسوفان اسلامی و حتی غربی، بیوگرافی و وصیت‌نامه شیخ از دیگر مباحث پیشگفتار است.

بخش اول کتاب در باب مسائل نفس است و بخش دوم، به ملاک‌های چهارگانه تعدد قوا می‌پردازد.

در بخش سوم کتاب، ابتدا، تمام تعریقاتی که از شیخ در مورد ادراک به طور کلی به دست آمده، مطرح شده است و سپس با بررسی تحلیلی ادراک به حقیقت و شرایط آن اشاره شده است. می‌دانیم در باب علم چهار نظریه معروف وجود دارد که یکی از آنها تئوری «وجود ذهنی» حکماست. با اشاره به کلمات شیخ (ره) اثبات شده است که نظریه او در باب علم و ادراک همان دیدگاه حکماست. در پایان این بخش به چند مسأله در باب ادراک اشاره شده که هریک از دیدگاه شیخ (ره) بررسی گردیده است؛ مسأله‌ای از این قبیل: تشخیص به چیست؟ مراد از ماده در ادراک چیست؟ مراد از صورت در ادراک چیست؟ حقیقت تجرید چیست؟ به نظر شیخ (ره) کلی چیست؟ همچنین به بحث احساس و ادراک از دیدگاه علوم جدید بویژه روانشناسی پرداخته

شده است.

در بخش چهارم که اساس و پایه این نوشتار را تشکیل می‌دهد، نخست تمام تعریقاتی که از شیخ (ره) درباره احساس به دست آمده، گردآوری و چنین خلاصه شده است: «انتزاع صورت از ماده و عوارض آن به شرط حضور ماده». عناصر عمده این تعریف که عبارتند از: انتزاع، صورت، ماده به تفصیل و با اشاره به کلمات خود شیخ (ره) بیان شده است. در ادامه به بحث محسوس پرداخته شده و به تقسیمات محسوس از دیدگاه شیخ (ره) ارائه شده است. شیخ بین محسوس و خارج تناسب قائل بوده و احساس را ارزشمند می‌داند. در زمینه اثبات جهان خارج گرچه در برخی موارد آن را امری مفروضه دانسته، لیکن در مواردی چند برای اثبات آن از طریق عقل استدلال کرده، حس را وافی به این امر نمی‌داند. در ادامه به چند مسأله عمده در باب احساس که در معرفت‌شناسی معاصر مطرح است، اشاره شده و دیدگاه شیخ (ره) در این زمینه‌ها استخراج گردیده است. از جمله اینکه، قبل از حس و بعد از حس، نفس چگونه است؟ نقش حس در سایر ادراکات، در قوای تحریکی، در استکمال نفس و در جهان خارج کدام است؟ محدودیت‌های حس چیست؟ حس تنها منبع نیست، حس فقط تصور افاده می‌کند نه تصدیق و ...

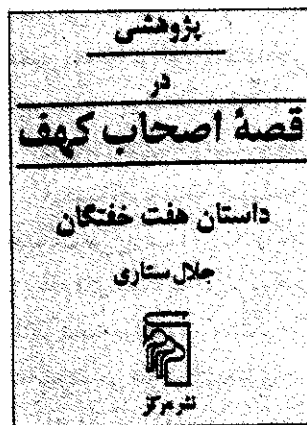
در بخش پنجم کتاب، حواس (لامسه، چشایی، بویایی، شنوایی، بینایی) و گستره کارکرد آنها بررسی شده است. در پایان این بخش، در زمینه ابصار و نظریه خروج شعاع نزد پزشکان و نقض و ابرام‌های آنها بیان گردیده است، و آنگاه دیدگاه طبیعیون مبنی بر انطباق صور مرئی در ملتقا یا حس مشترک که دیدگاه شیخ (ره) است، بیان شده است. سهروردی ابصار را علم حضوری می‌داند و ملاصدرا (ره) آن را ابداع و انشاء نفس می‌داند. همچنین علل چهارگانه حول و دویینی از دیدگاه شیخ (ره) و قدما در انتهای همین بخش مذکور است.

در پایان لازم به ذکر است که در این کتاب ناروا بودن چند رأی که مشهور، به شیخ نسبت داده‌اند، ثابت شده است؛ از جمله اثبات شده که حواس جسمانی نیست؛ اتحاد حس و حساس و محسوس مورد پذیرش شیخ است؛ نفس حیوانی مجرد است؛ خیال مادی نیست؛ حاس حقیقی نفس است؛ نفس حساس با حصول احساس استکمال پیدا می‌کند و از این رو در جوهر خود متحرک است؛ تعقل و شهود در کنار احساس اصالت دارند و مواردی دیگر.

حسن پورمرادی

پژوهشی در قصه اصحاب کهف (داستان هفت خفتگان)، جلال ستاری، نشر مرکز، تهران ۱۳۷۶، ۱۲۷ ص. رقمی.

ای بسا اصحاب کهف اندر جهان
پهلوی تو پیش تو هست این زمان
غبار با او یار، با او در سرود
مهر بر چشم است و بر گوشت، چه سود؟



نگرش از دیدگاه دانش اساطیر به روایت های مذهبی، بکلی با آنچه که در میان صاحبان ادیان، رواج دارد، متفاوت است. دید اسطوره شناسان امروزه به دین، نگرشی «برون دینی» است، در حالی که متدینان طبعاً نگرشی «درون دینی» دارند. تأثیرات روانکاوی و مردم شناسی بر

نگرش اسطوره ای، و نیز تحلیل پدیدارشناسانه هر روایت و تفکیک زیر ساخت اثر از روساخت آن، همه موجب قرائتی جدید و امروزی از روایتی کهن گشته است.

داستان هفت خفتگان، در این میان شاید یکی از کهن ترین روایات مذهبی باشد که در میان مسیحیت و اسلام، قدمت و شهرتی انکارناپذیر داشته است. «ظاهر آداستان نخست به زبان لاتینی بوده و از آن زبان، به یونانی و سریانی و از سریانی دوباره به لاتینی برگشته است.»

آقای جلال ستاری که سال هاست در زمینه دانش اساطیر به کار ترجمه و تألیف مشغول است و بویژه از مهم ترین مترجمان آثار میرچا الیاده در ایران شناخته شده، بواقع در ایجاد پل ارتباطی میان نسل کنونی ایران با آموخته ها و آموزه های غربیان در باب اسطوره، سهمی انکارناشدنی دارند. ایشان در این اثر، سعی داشته اند از زاویه دانش اساطیر، به داستان هفت خفتگان بنگرند و پس از بررسی روند تاریخی، انتقال های زبانی و تحولات محتوایی در این داستان، از روایت اسلامی آن که پر از معانی و پیام های رمزی است، رمزگشایی کنند.

نویسنده، در بدایت امر، در چندین مرحله، موضع خویش را صریحاً بیان داشته و آن اینکه: قصه اصحاب کهف نخست در مسیحیت روایت شده و سپس به اسلام رسیده است. از این رو در آغاز کتاب، روایت سریانی این داستان را که به عقیده نویسنده، واسطه نقل این حکایت به اسلام بوده، از روی دستنویسی که در قرن هفتم تا هشتم میلادی از سریانی به زبان

فرانسه، ترجمه شده، نقل می کند که خلاصه آن چنین است: در عهد قیصر دقیانوس مشرک، هشت نوجوان نجیب زاده که به دستورهای شرک آلودش مبنی بر پرستش خدایان گردن نمی نهادند و از بیم جان، اعتقاد خویش را پنهان می داشتند، به غمآزی سخن چینیانی که شاه را از سرکشی و نافرمانی شان می آگاهند و خبر می کنند که جوانان، دین دیگر گرفته و مسیحی شده اند و قیصر خشمگین، ایشان را برای ادای پاره ای توضیحات به حضور فرامی خواند. آنان به ناچار اقرار می آورند که مسیحی شده اند. قیصر جوانان را به چوب می بندد و می گوید که برای سرکشی کشور از شهر افسس بیرون می رود و تا بازگشتن، آنان را آزاد می گذارد و نمی آزد، به امید آنکه تغییر عقیده دهند و از خداپرستی دست بردارند. اما جوانان تصمیم می گیرند که پیش از بازگشت شاه، از شهر بگریزند و بدین نیت مقداری پول یا زر مسکوک که به تمثال قیصر مزین است، برمی دارند و جامه های فاخر را از تن بیرون می کنند تا کسی به هویت شان پی نبرد و به غاری سنگی در بالای کوه می روند و شب همانجا می مانند و با دعاخوانی و زاری و اشکباری از خدای خویش می خواهند که ایشان را در پناه خویش گیرد و از شر قیصر ستمکار در امان دارد. خداوند هم خواست شان را برمی آورد و به پاداش ایمان راسخ و بی ریایشان، روحشان را می گیرد و به آسمان می برد و فرشته ای را مأمور می فرماید که نزدشان در غار بماند تا حافظ و نگاهدار بیکرهایشان باشد.

شاه باز می گردد و درمی یابد که جوانان گریخته و در غار پنهان شده اند. پس بر آن می شود که پناه جویان را در غار، زنده به گور کند. از این رو به دستورش، بنایان ماهر، روزنه غار را با سنگ های تراش می بندند. اما پیش از آن، دو پسر فرزانه از فرزندان اکابر شهر، با این یقین قلبی که روز معادی هست و خداوند مردگان را در روز قیامت زنده خواهد کرد تا حساب پس دهند، نام هشت نوجوان و سبب و زمان پنهان شدنشان را بر «لوحی مسین» نگاشته در غار می گذارند. عهد شاهان خدانشناس سپری می شود و اراده خداوند بر آن تعلق می گیرد که «فرزندان نور» را بیدار کند. از این رو بنا به مشیت الهی، یک تن از توانگران شهر افسس، تصمیم می گیرد که آغلی برای گله و رمه اش در بالای کوه بسازد، و بدین نیت، دست به کار می شود که چشمش به سنگ های تراشیده می افتد، پس آنها را فرو می ریزد و در این هنگام، «روشنایی به درون غار تابیده، فرزندان نور را از خواب بیدار می کند». جوانان که بیدار می شوند، (چون نمی دانند چه مدت در خواب بوده اند) می خواهند یکی را به شهر بفرستند تا بدانند که قیصر بازگشته است یا نه و بفرجام چه

تصمیمی گرفته است؟ یملیخا داوطلب می‌شود که برود و خبر بیاورد. به وی می‌گویند مقداری پول بردار که نان بخری، چون از دیشب، تنها اندکی نان مانده است و ما چیزی نخورده ایم و گرسنه ایم.

یملیخا می‌رود و شهر را دگرگون شده، با صلیب‌های افراشته بر بام خانه‌ها می‌بیند و شگفت زده می‌شود و حتی می‌پندارد که اشتباهاً به شهر دیگری رفته است. از کسی پرسش می‌کند و اطمینان می‌یابد که شهر همان شهر افسس است. اما چون می‌خواهد با سکه‌های طلای ضرب عهد دقیانوس، نان بخرد، سوءظن برمی‌انگیزد و مردم گمان می‌برند که وی گنجی یافته است، و در شهر شایع می‌شود که کودکی گنجی کشف کرده است. پس او را نزد اسقف می‌برند و یملیخا اظهار می‌دارد که پسر رؤس است، اما هرچه بیشتر سخن می‌گوید، کمتر سخنش را باور می‌کنند؛ تا آنکه در شهر غریب، به گریه می‌افتد و سرانجام مقرر می‌آید که با دوستانش از شر دقیانوس در غاری بالای کوه، پنهان شده‌اند. آنگاه همه ریش سفیدان و معمرین و معتمدان اکابر شهر، گرد می‌آیند و در پی یملیخا به راه می‌افتند تا بالای کوه، «گنج زنده» را ببینند و چون به آنجا می‌رسند، به دنبال وی وارد غار می‌شوند و به جوانان درود و تهنیت می‌گویند و به شاه عصر نامه نوشته، او را از اعجازی که به معاینه دیده‌اند، می‌آگاهانند. شاه به شتاب می‌آید و نوشته لوح مسین را می‌خواند و از حقیقت کار آگاه می‌شود و از جوانان می‌خواهد که با وی به شهر افسس درآیند تا در آنجا برای آنان مزاری باشکوه بسازد. اما جوانان در پاسخ می‌گویند ترجیح می‌دهند که همانجا بمانند، چون خواست خدا چنین است: «مسیح ما را بیدار کرد تا شما رستاخیز را حقیقتاً ببینید و باور کنید.» شاه نیز «آنان را همانجا گذاشت تا به خواب ابدی فرو روند.» (ص ۷-۱۰).

کتاب پس از مقدمه، در پنج بخش ترتیب داده شده است. در بخش نخست روایت مسیحی اصحاب کهف، و در بخش دوم، روایت اسلامی این داستان، مطرح شده است. در بخش سوم به یکی از زیرساخت‌های این داستان یعنی «خواب در غار» پرداخته شده و ضمن اشاره به مفهوم رمزی غار در فرهنگ‌های گونه‌گون ملت‌ها و ادیان، این عنصر اصلی داستان با دیگر اسطوره‌های مذهبی و ملی سنجیده می‌شود.

«در وراء حجاب» عنوان بخش چهارم کتاب است که در آن به یکی دیگر از بن‌مایه‌های اصلی روایت یعنی جهان غیب پرداخته و در آن به نیکی این نکته برنموده شده که غایت نهایی در

این داستان، سیر از محسوس به ماوراء حس و از ظاهر به باطن است. در پایان این بخش، بحثی استطرادی در باب مشکلات فرهنگی مسلمانان غیب‌اندیش در دیار فرنگ - که محل افراط در مرئیت است - طرح شده است.

در بخش پنجم کتاب، با عنوان «روایات داستانی» نویسنده به تأثیرگذاری‌های داستان اصحاب کهف، بر برخی روایات داستانی معاصر اشاره کرده است. در پایان این بخش، از سه عنصر معنا بخش این داستان یعنی دراز خوابی، غار اسرار و زمان ناپیوسته، و پیوند تنگاتنگ آنها با یکدیگر، یاد شده است.

در پایان کتاب خواننده به چنین نتیجه مختصری می‌رسد: قصه اصحاب کهف با همه کوتاهی‌اش، چه از منظر خداترین پارسا و چه از لحاظ خواننده‌ای ژرف بین و یا پژوهنده‌ای قصه‌شناس، پیامی رمزی دارد که البته در صورت ظاهر قصه مشهود نیست، ولی به گمانم رسالت اصلی قصه محسوب می‌شود و آن چیزی جز غیب‌آموزی نیست.

قصه قرآنی که از ترکیب موزون و ساخت و ساز هماهنگ سه جزء فراهم آمده و به همین جهت از ساختاری منسجم و یکپارچه برخوردار است، بی‌تردید، حقیقت معاد و رستاخیز را که وعده حق است، یادآور می‌شود؛ اما علاوه بر آن، و یا خاصه به همان سبب، تعلیم می‌دهد که به طور کلی در بند ظواهر مرئی و مشهودات حسی نباید ماند، بلکه برای تحرّی حقیقت لازم است حجاب محسوسات یا واقعیات عینی را درید، تا به کُنه معنی و لب لباب رسید. بسان آن عزیز یا نظر کرده و برگزیده‌ای که از میان دو انگشت دست امام پارسول، آینده نامرئی یا مغیبات را به چشم بصیرت می‌بیند و عبرت می‌گیرد و حیرت می‌کند. اصحاب کهف نیز که «خفتگان از دنیای حس» اند، همچون اولیای حق «عالم حس را شایسته توقّف و درنگ نمی‌یابند و ترجیح می‌دهند با هجرت از آن به عالم ماورای حس که عالم هست نیست نمانند، التّجّا جویند»؛ از این رو «خواب را سرمایه ناموس می‌یابند و چنین خوابی، در واقع رمزی از حال اولیاست» (ص ۱۲۶).

امید که این گونه بررسی‌ها درباره داستان‌ها و روایات مذهبی ادامه یابد و هر روز دریچه‌ای تازه فراروی جویندگان معارف اسلامی در جهان معاصر، گشوده گردد.

محمدرضا موحدی